



سال تحصیلی جدید و

تشدید مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی

معلمان! دانشجویان! دانش آموزان!

سال تحصیلی جدید آغاز می شود و مدارس و دانشگاهها کار خود را از سر می گیرند. میلیون ها تن از توده های مردم ایران، با امید و آرزوی زندگی بهتر برای نسلی که آینده متعلق به آنهاست، فرزندان خود را روانه مراکز تحصیل می کنند. معلمان زحمتکش نیز، تلاش خود را برای آموزش و پرورش ۱۶ میلیون تن از جوانان و نوجوانان از سر می گیرند.

سال تحصیلی جدید، اما در شرایطی آغاز می گردد که در ایران همچنان رژیمی حاکم است که مظهر کهنه پرستی، خرافات و ارتجاع فرهنگی ست. با علم و فرهنگ ستیز و دشمنی دارد. از آگاه شدن مردم می هراسد و برای این که توده مردم را در ناآگاهی و اسارت نگهدارد و مدتی دیگر به حیات ننگین خود ادامه دهد، آزادی های سیاسی، حقوق دمکراتیک و مدنی مردم را از آنها سلب نموده و با اختناق، سرکوب و دیکتاتوری عریان موجودیت خود را حفظ کرده است. رژیمی که پاسدار خشن ترین و عریان ترین نابرابری ها، تبعیض ها و بی عدالتی های موجود در جامعه ایران است.

در صفحه ۵

«آسیب های اجتماعی»

مجرم اصلی کیست؟

رژیم جمهوری اسلامی محدودیت ها و ممنوعیت های بی شماری را به جامعه تحمیل کرده است، به طوری که حتا تهیه سیاهه ای از آن ها سهل و آسان نیست. هر چند آزادی های سیاسی جزو مهم ترین آن هاست، اما همگان نیک می دانند که قوانین و مقررات عقب مانده حاکمیت اسلامی به جزئی ترین بخش های زندگی روزمره مردم پرداخته و دست نیروهای انتظامی رژیم را در تجاوز به زندگی خصوصی افراد کاملاً بازگذاشته است. به عبارت دیگر اگر جامعه ایران استثنائی در میان تمام جوامع طبقاتی موجود بود و کاملاً در سکون و رکود مبارزاتی قرار داشت، باز هم جمهوری اسلامی آن قدر بهانه و دستاویز داشت تا بتواند به ایجاد رعب و وحشت بپردازد و به هستی انسان ها تعرض و تجاوز بکند.

قانون گذاری و اجرای مقررات اسلامی بن بست های اجتماعی فراوانی را پس از ربع سده در جامعه ایران به بار آورده است. به نظر نمی رسد که بتوان ابعاد واقعی آن ها را با وجود رژیم جمهوری اسلامی روشن کرد و بتوان برای مرتفع کردنشان در مراحل مختلف، کوتاه و بلند مدت، راهکارهایی ارائه داد.

آن چه امروز رسانه های مختلف جمهوری اسلامی در چارچوب و قالب کلماتی چون «آسیب های اجتماعی» منعکس می کنند بخش کوچکی از واقعیاتی است که جامعه در پی اعمال محدودیت ها و ممنوعیت های پیش گفته

در صفحه ۲

در این شماره

- ۲ اخباری از ایران
- ۴ اخبار کارگری جهان
- خلاصه ای از اطلاعیه ها
- ۴ و بیانیه های سازمان

پاسخ به سئوالات ۸

مبارزه طبقاتی و رهایی زنان (۴۲)

که آن چه جنبش بدان نیاز دارد، نه رزمندگی هرچه بیشتر تنی چند، بلکه رجوع پیگیرتر به توده های وسیع، برای پیوستن به مبارزه است. با این همه، انتقاد و یا اعتراض نسبت به آن، با روحیه من سازگار نبود. مرگ را ترجیح می دادم بر این که بخوام کلامی علیه اقدامات اعتراضی کسانی بگویم که درگیر مبارزه بودند» (پانکهورست- صفحات ۲-۴۰۱)

سیلوپا با حمایت WSPU از لایحه ای که حق رای زنان را براساس درآمدشان محدود می کرد، مخالف بود. «خانم پانکهورست به صحت استدلالات من اذعان نمود اما گفت که تصمیم گرفته بود و نیاز به وحدت بود. من استحکام استدلال اخیر را احساس نمودم.» (پانکهورست- ص ۳۳۹)

سیلوپا در پی سخنرانی در یک مئینگ توده ای سالن آلبرت که در حمایت از کارگران اعتصابی دولین برپا شده بود و جیمز کولونی سخنران اصلی آن بود، به رغم تلاشی که برای حصول به توافق و سازش با WSPU به کار بست، برخلاف میلش در ژانویه ۱۹۱۴، از WSPU اخراج شد.

در حالی که خانم پانکهورست و کریستابل در غرب لندن زندگی می کردند و اغلب اوقات خود را در محافل ثروتمندان می گذرانند، سیلوپا در سال ۱۹۱۲ سازمانی در شرق لندن

در شماره های قبل، ترجمه بخش هایی از جنبش زنان در انگلستان از کتاب مبارزه طبقاتی و رهایی زنان درج شد. در این شماره به نظرات سیلوپا پانکهورست که از بنیان اتحادیه سیاسی- اجتماعی زنان (WSPU) بود پرداخته می شود.

سیلوپا پانکهورست

تنها عضو خانواده پانکهورست که در جنبش کارگری فعال باقی ماند، سیلوپا بود که سهم ویژه ای در مبارزات طبقه کارگر در شرق لندن داشت. امامتاسفانه وی تحت تاثیر جنبش محافظه کار کارگری و جنبش بورژوا- فمینیستی قرار داشت و آن گونه که از نوشته های متعدد وی برمی آید، از نظرات متفکرین انقلاب، از مارکس به این سو اطلاعی نداشت.

سیلوپا در اولین کتابش تحت عنوان «طرفداران حق رای» که در سال ۱۹۱۱، در اوج فعالیت های WSPU ارائه داد، با چند اظهار نظر سطحی، گروه های دیگر را کنار نهاد. سیلوپا با این که مخالف کمپین های شیشه شکنی و آتش برافروزی بود، اما انتقادش را طرح نمی کرد. او در کتابی که بعداً در سال ۱۹۳۱ به نام جنبش «طرفداران حق رای» نوشت، علت این که نتوانست، از مادر و خواهرش فاصله بگیرد را چنین توضیح داد:

«من از همان زمان و همواره بر این عقیده بوده ام

اخباری از ایران

تجمع اعتراضی کارگران مرغاری

روز یکشنبه ۲۳ شهریور، حدود یکصد نفر از کارگران شرکت «مرغاران تهران» واقع در فردیس کرج در اعتراض و مخالفت با توقف فعالیت این واحد تولیدی، دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر شرکت، خواستار ادامه کاری شرکت و ضمانت شغلی خود شدند. به دنبال این اقدام اعتراضی، مدیر عامل شرکت یک هفته مهلت خواست تا به خواست کارگران رسیدگی کند. ۲۲۰ کارگر این شرکت هشدار داده اند چنانچه طی مهلت تعیین شده، به خواست آنان رسیدگی نشود، در برابر سازمان های مسئول، واقع در شهرستان کرج، اجتماع اعتراضی برپا خواهند کرد.

اعتراض چند باره کارگران کاشان

روز سه شنبه ۲۴ شهریور، گروهی از کارگران کاشانی بار دیگر و برای چندمین بار در شهریور ماه، دست به اعتراض زدند و با اجتماع در دفتر رئیس تامین اجتماعی شعبه کاشان، نسبت به محاسبه نشدن مدت بیمه بیکاری در شمول کارهای سخت و زیان آور اعتراض نمودند. از آنجا که به خواست این کارگران ترتیب اثری داده نشد، آنها روز سه شنبه ۳۱ شهریور، بار دیگر دست به اعتراض زدند و ابتدا در محل تامین اجتماعی کاشان اجتماع اعتراضی برپا کردند و در ادامه اقدامات اعتراضی خود، به سمت اداره کار و امور اجتماعی راه پیمائی کرده و در آنجا نیز دست به تجمع زدند. در کاشان بیش از ۵ هزار کارگر در حدود ۷۰۰ واحد تولیدی و صنعتی کوچک و بزرگ مشغول به کارند.

نامه اعتراضی

۱۶۰۰ کارگر روزمزد دانشگاه علوم پزشکی همدان، در رابطه با اجرا نشدن حکم جدید استخدامی مبنی بر افزایش حقوق نسبت به سال گذشته، دست به اعتراض زدند و با ارسال یک نامه اعتراضی به مسئولین دانشگاه، خواستار اجرای هرچه سریع تر حکم جدید و افزایش حقوق خود شدند.

اجتماع اعتراضی معلمان

صبح روز شنبه ۲۸ شهریور، حدود یک صد تن از معلمان حق التدریسی که هر لحظه بر تعداد آنان افزوده می شد، بار دیگر دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر ساختمان مجلس، خواستار حذف امتحان ادواری جهت استخدام و رفع سایر مشکلات خود در آموزش و پرورش شدند.

کتکش بزند! گویی این زن جوان خوب می دانسته که با قوانین اسلامی نمی توان شوهری را از تنبیه بدنی همسر منع کرد و چاره را عجلالتاً در کم تر کتک خوردن دیده است. کمالینکه شوهر این زن در دادگاه حاضر شده و اعلام کرده است که همسرش را میزند تا از وی اطاعت کند!

روزنامه‌ی دیگر وابسته به رژیم که یکی از ضمانت خود را تپش نامگذاری کرده و آن را به «آسیب‌های اجتماعی» اختصاص داده در شماره ۱ مهر ۱۳۸۳ خود مصاحبه ای با شخصی به نام نادر. ه. نموده که در ۱۵ سالگی دست به سرقت مسلحانه زده است. وی در پاسخ به این پرسش که چرا تا سوم راهنمایی درس خوانده و ادامه نداده گفته است: «چون فایده نداشت. برادرم دیپلم گرفته و در حال حاضر در یک شرکت آبدارچی است ... الان لیسانس ها هم سیگار می فروشند.» هر چند نادر در ابتدای مصاحبه می گوید که ۲ ماه دیگر ۱۸ ساله می‌شود، اما مسئول پرونده، قاضی فخرالدین جعفرزاده می گوید: «البته خود وی مدعی است که ۱۷ سال دارد. اما پزشکی قانونی سن او را ۱۹ سال تعیین کرده است.» مصاحبه گر هم به کمک این قاضی اسلامی شتافته و در آغاز چنین نوشته است: «هم جرم های او در اظهارات خود، نوجوان ۱۷ ساله را یک مجرم خطرناک و بی رحم می دانند. وی با آن که ۱۷ سال سن دارد اما از هیکل تنومندی برخوردار است.»

در این مثال «آسیب اجتماعی» به وضوح و صاف ناپذیری می‌توان و اقیعیات اجتماعی را دید. از سویی علت اصلی ارتکاب سرقت نه از زبان مصاحبه گر سرسپرده به رژیم و قاضی ضدبشری اسلامی که از زبان نادر، این «مجرم بی‌رحم» بیان شده است: بی‌اقبی برای جوانان در جامعه ای که سرمایه داری پوسیده و عقب مانده ای حاکم است و در آن حتا «لبسانس ها هم سیگار می‌فروشند» و از سویی قوانین ضدانسانی اسلامی که تنها به اعدام و قطع دست و پا می‌اندیشد تا معلول را به جای علت از میان بردارد.

دستگاه قضائی جمهوری اسلامی می‌تواند این بار نادر را که در هنگام ارتکاب سرقت تنها ۱۵ سال داشته به دار آویزد و او را مانند عاطفه رجبی ۱۶ ساله که به «جرم» رابطه به اصطلاح نامشروع به دیار عدم فرستاد، نابود کند، اما مجرم اصلی در پرونده نادر و در اکثریت قریب به اتفاق پرونده های «آسیب های اجتماعی» نظم ظالمانه طبقاتی و حافظ کنونی آن رژیم جمهوری اسلامی است. نابودی هزاران عاطفه و نادر بر طناب دار و ده‌ها مریم زیر مشت و لگد شوهرانشان تنها پرونده جنایات رژیم را سنگین تر می‌کند.

با آن ها دست به گریبان است. اینان، «آسیب‌های اجتماعی» را به دامنه گسترده‌ای اطلاق می‌کنند که دربرگیرنده سرقت و قتل تا «روابط نامشروع»، فرار دختران جوان از خانه ها و حتا بیماری ایدز و مصرف مشروبات الکلی است. در واقع «آسیب‌های اجتماعی» چنان وسعتی در ایران امروز پیدا کرده اند که اکنون خبرگزاری های رژیم هر روزه خبرهایی از آن ها منتشر می‌کنند و برخی از روزنامه ها ستون های ویژه ای به آن ها اختصاص می‌دهند. همین خبرها، هر چند بسته و گریخته و ناپیگیر هستند، اما در برخی از آن ها می‌توان آثار انکارناپذیر نه «آسیب» که «فاجعه» را دید.

البته برخی از خبرهای «آسیب های اجتماعی» تا آن جایی که به جمهوری اسلامی بازمی‌گردد نشان های روشنی از شکست این رژیم پس از بیست و پنج سال است. چه شکستی بزرگ تر از این که یک تارنمای وابسته به جناح فوق ارتجاعی رژیم اخیراً وادار به اعتراف می‌شود که در ایران سالانه ۴۰ میلیون لیتر مشروبات الکلی مصرف می‌شود در حالی که هر روز در گوشه های این شهر و آن شهر بساط شلاق زنی را برای «شرب خمر» برپا می‌کنند؟ چه شکستی بزرگ تر از این برای ده‌ها امام جمعه‌ای که تقریباً هر هفته سخن از مزایای ازدواج و تشکیل خانواده سنتی می‌گویند در حالی که بر اساس مطالعات انجام شده، روابط خارج از ازدواج - «نامشروع» - هرگز تا سطح کنونی در ایران سابقه نداشته است؟ چه شکستی بزرگ تر از این برای رژیمی که از سال اول دبستان به کودکان می‌آموزد که چرا و چگونه باید نماز خواند، اما بنا بر نظر سنجی ها اکثریت غالب جوانان دبیرستانی و دانشگاهی سجاده‌ها را بایگانی نموده‌اند؟

اگر خبرهای «آسیب های اجتماعی» حکایت از شکست و ناکامی برای جمهوری اسلامی دارند، اما متأسفانه تا آن جا که به مردم ربط پیدا می‌کنند تماماً فاجعه‌بار هستند.

با توجه به ماهیت زن ستیز جمهوری اسلامی، زنان بیش از همه در معرض محدودیت ها و تحقیرهای رژیم قرار دارند. برای مثال همین روز اول مهر ماه بود که تارنمای بازتاب، که گفته می‌شود وابسته به دبیر شورای نگهبان است، خبر داد که یک زن ۳۰ ساله متهم به «روابط نامشروع» در یکی از دادگاه های مجتمع ارشاد دست به خودکشی زد تا به برخورد تند یک قاضی اعتراض نماید. در همین روزها بود که روزنامه آفتاب یزد خبر از زنی به نام مریم داد. وی به دادگاهی در تهران مراجعه کرده و خواسته تا حکمی صادر شود که شوهرش به جای هر روز، فقط هفته ای یک بار

اخباری از ایران

تجمع اعتراضی کارکنان بیمارستان بوعلی سینا

نزدیک به ۷۰ تن از پرسنل بیمارستان بوعلی تهران، صبح روز ۳۱ شهریور، در اعتراض به واگذاری این بیمارستان به دانشگاه آزاد، در محوطه بیمارستان دست به تجمع زدند. کارکنان پلاکاردهائی را نیز با خود حمل می کردند.

تجمع اعتراضی دانشجویان

دانشجویان شبانه دوره کارشناسی دانشگاه تربیت معلم تهران، صبح روز دوشنبه ۳۰ شهریور، دست به اعتصاب زدند و با تجمع در محوطه دانشگاه، نسبت به نابسامانی های آموزشی و صنفی از جمله افزایش میزان شهریه و خودداری وزارت علوم از پرداخت وام، دست به اعتراض زدند. گفتنی است که نرخ غذای دانشجویان شبانه از ۱۲۰ تومان به ۵۰۰ تومان رسیده و در واقع بیش از ۴ برابر شده است.

تجمع اعتراضی اهالی یک روستا

به دنبال کشته شدن یک نوجوان ۱۴ ساله در جریان یک تصادف، روز سه شنبه ۳۱ شهریور نزدیک به ۷۰۰ تن از اهالی روستای "خانه زنیان" از روستاهای شهرستان کازرون، دست به اعتراض و تظاهرات زدند و با آتش زدن لاستیک و مسدود ساختن جاده شیراز- کازرون، خواستار توجه مسئولین به این منطقه و تعریض جاده شدند. باریک بودن جاده در این محل، تاکنون چندین تصادف خونین به بار آورده است.

سوانح ناشی از کار

روز شنبه ۲۱ شهریور، کارگر ۲۴ ساله ای به نام علی مراد اهل شهرستان سمیرم، هنگام کار در یک ساختمان دچار برق گرفتگی شد و جان خود را از دست داد. روز بعد از آن، با ریزش یک ساختمان در بازار یافت آباد تهران، دو کارگر که در حال استراحت بودند، جان خود را از دست دادند.

- بنا به گزارش ایلنا به نقل از دبیر هیئت امنای شهرک صنعتی سیمین دشت، این شهرک صنعتی یکی از مناطق پر حادثه است که به دلیل نبودن پل عابر پیاده، تاکنون ۱۲ نفر دچار سانحه شده اند که اکثر آنان کارگرانی بوده اند که به سر کار می رفته اند و جان خود را از دست داده اند.

اخراج و بیکار سازی کارگران ادامه دارد

- با واگذاری امتیاز شرکت صنعتی مهرآباد به در صفحه ۶

مبارزه طبقاتی و رهائی زنان (۴۲)

رای و پاسیفیسیم، ارائه خدمات عمومی در دو سال جنگ محور دیگر فعالیت های سیلویا بود. سیلویا پانکهورست یک رستوران عمومی در سالن ELFS در "اولدفورد رود" گشود که در آن غذا به قیمت تمام شده به فروش می رفت. حدود ۱۰۰ مادر شیرده، روزانه یک چهارم لیتر شیر و یک وعده شام رایگان از ELFS دریافت می کردند. (رژمناو و زنان- ۱۹ اوت ۱۹۱۴).

در سال ۱۹۱۵، حدود ۱۰۰۰ مادر و کودک در کلینیک فدراسیون دیده می شدند. بیش از ۱۰۰۰ پوند به شیر اختصاص داده شده بود. (میچل- صفحات ۲۸۱-۲۸۰).

ELFS همچنین یک مهد کودک برای ۴۰ کودک و چند کارگاه تولید پارچه و اسباب بازی داشت. در کارگاه اسباب بازی ۵۹ نفر اشتغال داشتند. (رژمناو و زنان- ۲ ژانویه ۱۹۱۵). در ایام کریسمس و سال نو جشن هایی برای کودکان برپا می شد که روحیه شان را تقویت کند. سیلویا هزینه این فعالیت ها را از پاترون های متمول تامین می کرد. او یک آخر هفته را با نماینده مجلس، لیدی آستور، نماینده حزب محافظه کار و نخست وزیر پیشین، آرتور بالفور در منطقه cliveden گذراند. او این دیدار را چنین تعریف می کند:

"من می بایست در باره زندگی تیره و تار در منطقه ایست اند صحبت کنم. از زنان و دختران جوانی که در کارگاه های کوچک، اسباب بازی می سازند، از دختران کلفت که تمایل به آموختن نقاشی داشتند، از سوسیس سازانی که به طراح تبدیل شده بودند. من تلاش کردم که نشان دهم که چگونه این ملوکین برای رهائی از زندان ملال آور تلاش می کنند... پول جمع آوری شد، جمعیت به سوی بوفه غذایی که از خوراکی های رنگین و متنوع پر بود، رفت.

فراخوان سیلویا در گرمای جنگ به منظور فشار به لرد نورشاکلیف که از راست ترین افراد حزب محافظه کار بود، به منظور حمایت از مبارزه برای حق رای زنان نیز در چارچوب همان الگوی تفکرات سیلویا بود. (پانکهورست- جنبش حق رای- ص ۵۹۸)

در این جا به جاست که دیدگاه سیلویا پانکهورست را نسبت به کار اجتماعی با آن چه که بلشویک ها در همان دوره داشتند، مقایسه کنیم: در سپتامبر ۱۹۱۶ مدتی قبل از انقلاب، شورای شهری پترزبورگ تصمیم به افتتاح ۹ مرکز نمود که روزانه گنجایش ۸۰۰۰ نفر را داشتند، یعنی بسیار بزرگ تر از شرکتی که سیلویا در آن کار می کرد. بلشویک ها این اقدام را تنها یک مسکن می دانستند و از همین رو از طریق کارخانجات قطعنامه زیر را ارائه دادند: "... تمام ابزارهای تدریجی و جزئی مبارزه با بحران غذا (به طور مثال کنوپراتیوها، اضافه دستمزدها، غذاخوری ها) تنها می توانند تا حدودی معلول ها را تخفیف دهند، اما علل بحران ها را از بین نمی برند.

تنها وسیله موثر مبارزه با بحران، مبارزه علیه علیی است که موجب بروز چنین بحران هایی می باشند. از جمله مبارزه علیه جنگ و طبقات حاکمه ای است که جنگ را به راه انداخته اند. با در نظر

بنیان گذارد که نامش فدراسیون حق رای شرق لندن (ELFS) بود. در ۱۸ مارس ۱۹۱۶ این فدراسیون، به فدراسیون حق رای کارگران و در مه ۱۹۱۸ به فدراسیون کارگران سوسیالیست تبدیل شد. تا هنگام انقلاب روسیه، سیلویا تمام هم خود را صرف مسئله کسب حق رای نمود. در اولین شماره هفتگی سیلویا به نام "رژمناو" که در تاریخ ۸ مارس ۱۹۱۴ منتشر شد، وظائف مجله چنین برشمرده شد:

"رژمناو زنان، توسط فدراسیون حق رای شرق لندن منتشر شده است و سازمانی است که عمدتاً از زنان کارگر تشکیل شده است. وظیفه عمده این مجله پرداختن به مسئله حق رای از موضع زنان کارگر و همچنین گزارش فعالیت های مربوط به حق رای برای جنبش زنان شرق لندن خواهد بود. با این همه، این نشریه از پرداختن به تمام عرصه های مربوط به جنبش رهائی زنان چشم پوشی نخواهد کرد." (پانکهورست- زندگی امیلین پانکهورست- صفحه ۱۴۱)

تمام مطالب این مجله ۸ صفحه ای از جمله سخن سردبیر که ۶۰۰۰ کلمه بود، نوشته سیلویا پانکهورست بودند و به حق رای اختصاص داشتند. حتا هنگامی که مسئله فحشا مورد بحث قرار گرفت و نویسنده آن نیز سیلویا بود، گرچه علت فحشا فقر و دستمزد نازل زنان ارزیابی شده بود، اما راه حل پیشنهادی اش، حق رای برای زنان بود. در این شماره حتا به روزجانه زن که مقارن با انتشار اولین شماره بود، اشاره ای نشده بود. هنگامی که فعالیت های "ادوارد کارسون" در برانگیختن مخالفت پروتستان ها نسبت به خودمختاری ایرلند بالا گرفت، در مقاله ای که تحت عنوان "زنان و اولستر" در رژمناو زنان، انتشار یافت، یک کلمه نیز در انتقاد از نیروی داوطلب اولستر گفته نشده. در ۲۲ ژانویه ۱۹۱۶ این مجله ۳۵۰ کلمه به اخبار از منطقه clyde در مورد فشار و سرکوب کمیته های کارخانه در کارخانه های مهمات سازی گلاسکو اختصاص داد، اما حدود ۱۲۰۰۰ کلمه یعنی چهار پنجم کل نشریه به مسئله حق رای اختصاص یافت. هنگامی که ELFS به فدراسیون حق رای کارگری تغییر نام داد، برنامه این سازمان بدین شرح تعرف شد:

"هدف فدراسیون تامین حق رای انسانی است. یک رای برای هر زن و مرد بالغ. عضویت برای زنان و مردان بالای ۱۸ سال آزاد است." این تمام هدف این فدراسیون بود. (رژمناو زنان- ۱۸ مارس ۱۹۱۶)

سیلویا پانکهورست گرچه کلا مخالف جنگ جهانی اول بود اما یک پاسیفیست بود و به این امید بود که صلح از طریق توافق امپریالیست های رقیب به دست آید. از همین رو در مجله "رژمناو و زنان" مورخ ۳ آوریل و ۵ مه ۱۹۱۵، از گشایش قریب الوقوع کنگره صلح لاهه با شور و شغف یاد می کند و در ۱۶ دسامبر ۱۹۱۶ فراخوان مذاکرات مسالمت آمیز و "تاسیس یک دانشگاه بین المللی" را داد. در شماره ۲۷ ژانویه ۱۹۱۷، در این مجله مفاد طرح صلح ویلسون رئیس جمهور وقت آمریکا منتشر شد. توام با سیاست های محدودنگرانه در مورد حق



آفریقای جنوبی: بزرگترین اعتصاب عمومی

مذاکرات مربوط به تجدید قراردادهای دسته جمعی برای تعیین شرایط کار و دستمزد بیش از یک میلیون کارگر و کارمند دولت در آفریقای جنوبی از ماه می آغاز شد. شورای سراسری اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی، Cosatu، نماینده کارگران و کارمندان دولت در این مذاکرات بود که باید با نمایندگان دولت این کشور به رهبری کنگره ملی آفریقا، به توافقات لازم میرسید. هر چند Cosatu در انتخابات بهار امسال همه جانبه از کنگره ملی آفریقا، ANC، حمایت نمود و یکی از عوامل اصلی پیروزی در این انتخابات بود، اما در دور اخیر مذاکرات مربوط به تجدید قراردادهای دسته جمعی، دیگر خبری از این اتحاد نبود و نمایندگان Cosatu خواهان تحقق وعده های انتخاباتی کنگره ملی آفریقا مبنی بر افزایش دستمزدها و ایجاد اشتغال برای بیکاران بودند. سرانجام عدم توافق طرفین بر سر نحوه افزایش دستمزدها در ۳ سال آتی، مذاکرات ماه می را به بن بست کشاند و نزدیک به ۹۰۰ هزار کارگر و کارمند روز ۱۶ سپتامبر را روز آغاز اعتصاب بی سابقه خود در تاریخ آفریقای جنوبی اعلام نمودند. در این روز تمامی مدارس، بیمارستانها، حمل و نقل شهری، مراکز دولتی، فرودگاهها و بنادر این کشور به طور کامل تعطیل شد. دولت آفریقای جنوبی بلافاصله پس از آغاز این اعتصاب از نمایندگان اعتصابیون دعوت کرد تا مجدداً به سر میز مذاکره بیایند. مدت زیادی نکشید که دولت با بخشی از خواسته های اعتصابیون موافقت نمود. به این ترتیب این اعتصاب عظیم پس از ۴ روز و موقتا تا تصویب نهایی طرح پیشنهادی دولت پایان یافت.

اعتصاب کارگران در آمریکا

با ادامه مخالفت صاحبان کارخانه شکر سازی میشیگان با خواست کارگران مبنی بر افزایش بیمه درمانی و هزینه های رفاهی، تمامی کارگران این کارخانه در شهر Fremont واقع در ایالت Ohio روز ۱۰ اوت دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. با توقف تولید در این کارخانه، مدیریت به سرعت میزان تولید خود در کارخانه های دیگر این شرکت واقع در ایالت میشیگان را افزایش داد تا به این ترتیب پی آمد های اقتصادی ناشی از این حرکت اعتراضی کارگران را به حداقل برساند. به محض اطلاع اعتصابیون از این اقدام صاحبان کارخانه، تمامی اعتصابیون راهی ۳ کارخانه دیگر این شرکت در ایالت میشیگان شدند تا این اقدامات کارفرما را متوقف سازند. کارگران این ۳ کارخانه در همبستگی با همزنجیران خود در ایالت Ohio دست به اعتصاب زدند و به این ترتیب این اعتصاب هر ۴ کارخانه شکر را به تعطیل کشاند. به رغم چند دور مذاکره، صاحبان کارخانه به مقاومت خود ادامه دادند، اما سرانجام پس از ۲۵ روز اعتصاب یکپارچه کارگران، کارفرما راه عقب نشینی را برگزید و با پذیرش خواست کارگران این اعتصاب خاتمه یافت.

اعتصاب کارگران در کنیا

اکنون ۲ ماه است که دستمزد تمامی ۶۲۰۰ کارگر تعمیرات و خدمات خطوط دولتی راه آهن در کنیا پرداخت نشده است. مراجعات و اعتراضات مکرر کارگران هم تا کنون بی فایده بوده است. بهانه تراشی های مدیریت سرانجام کاسه صبر کارگران را لبریز کرد و روز ۱۵ سپتامبر تمامی کارگران دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. در این روز هزاران نفر از اعتصابیون مرکز تعمیرات راه آهن را اشغال کرده و به رغم مقاومت ماموران حفاظت در این محل دست به تحصن زدند. گروهی دیگر از کارگران اعتصابی در مقابل مجلس این کشور گرد هم آمدند و خواستار پرداخت فوری حقوق های معوقه خود شدند. برای مقابله با اعتراضات کارگران، مدیریت خطوط دولتی راه آهن، راه رویارویی مستقیم با اعتصابیون را در پیش گرفت و این اعتصاب را مغایر با قانون خواند و به کارگران هشدار داد که برای خاتمه دادن به این اعتصاب کارگران، از ماموران پلیس استمداد خواهد خواست. برغم تهدیدات مکرر مدیریت راه آهن، کارگران مصممند تا پیروزی کامل خود به این اعتصاب ادامه دهند.

اعتصاب کارگران در کره جنوبی

روز ۱۷ سپتامبر کارگران بزرگترین کارخانه سازنده مواد شیمیایی Yeochon Naphtha واقع در شهر سنول دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. این اعتصاب در پی به بن بست رسیدن مذاکرات مربوط به تعیین دستمزدهای کارگران انجام گرفت. کارگران در این مذاکرات خواستار افزایش دستمزدها به میزان ۱۱٪، کاهش کار هفتگی به ۵ روز در هفته بدون کسر دستمزدها و بالاخره استخدام دائم تمامی کارگرانی که با قراردادهای موقت به کار گرفته میشوند، شد. نمایندگان کارفرما اعلام نمودند که دستمزدهای کارگران تنها به میزان ۵٪ افزایش خواهد یافت. هنوز هیچ نشانی از توافق بین دو طرف و خاتمه این اعتصاب نیست.

اعتصاب کارگران در مکزیک

روز اول سپتامبر بیش از ۲۰۰ هزار نفر از کارگران مراکز خدمات درمانی در سراسر مکزیک دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. این اعتصاب در اعتراض به تلاشهای اخیر دولت برای افزایش حق بیمه درمانی کارگران انجام گرفت. در این روز دهها هزار نفر به خیابانهای چندین شهر مکزیک آمده و ضمن راه پیمایی و تجمعات اعتراضی، مخالفت خود با اقدامات دولت این کشور را به نمایش گذاشتند. در شهر مکزیکوسیتی، پایتخت مکزیک، دهها هزار نفر در خیابانهای مرکزی شهر راه پیمایی کردند و یک زنجیر انسانی به طول چند کیلومتر پیرامون ساختمان مجلس ایجاد نمودند. در همین روز، هزاران کارگر نیروگاههای برق نیز در اعتراض به شرایط دشوار و دستمزدهای پائین خود دست به اعتصاب زدند و در خیابانها به دیگر اعتصابیون پیوستند.

خلاصه ای از اطلاعات ها و بیانیه های سازمان

در تاریخ ۵ مهر ماه سازمان اطلاعاتی ای تحت عنوان " سال تحصیلی جدید با اعتراض و تظاهرات آغاز شده است" منتشر کرد و خبر از اجتماع اعتراضی هزاران پناهنده افغانی مقیم ایران در مقابل دفتر سازمان ملل در مشهد داد که به مواع متعدهی که جمهوری اسلامی بر سر راه تحصیل فرزندان آنها قرار داده است، اعتراض کردند. در این اطلاعیه آمده است: " جمهوری اسلامی، برای ثبت نام هر یک از فرزندان پناهندگان در مدارس، به یک سیاست باج گیرانه روی آورده و مبلغ ۲۵۰۰۰۰ تومان رادخواست می کند. به این ترتیب خانواده ای که ۳ تا ۴ فرزند خود را به مدرسه می فرستد، باید رقمی حدود یک میلیون تومان پرداخت کند. " اطلاعیه در ادامه به تظاهرات مقابل دانشگاه تهران که در آن علیه رژیم شعار می دادند نیز اشاره کرده است.

*همچنین به مناسبت آغاز سال تحصیلی نیز اطلاعیه ای از سوی سازمان منتشر شده است که متن کامل آن در همین شماره درج شده است.

اعتراضات وسیع علیه حمله به دستاوردهای کارگران در هلند

با اوج گیری مبارزات کارگران در اروپا علیه کاهش خدمات رفاهی و بازپس گیری دستاوردهای مبارزاتی کارگران، در هلند نیز موجی از اعتراضات و اعتصابات براه افتاد است. روز ۲۰ سپتامبر همزمان با ارائه بودجه سالیانه این کشور، به دعوت ۳ اتحادیه بزرگ این کشور، قریب به ۷۰ هزار نفر در رتردام بزرگترین بندر جهان به سیاست های اقتصادی دولت ائتلافی لیبرال ها - دمکرات مسیحی ها اعتراض کردند. از سال گذشته که دولت فعلی هلند به قدرت رسید، طرح انجماد دستمزدها، همچنین افزایش حق بیمه درمانی، افزایش ساعات کار هفتگی را به مورد اجرا گذاشته است. اتحادیه های کارگری زرد هلند نیز که تاکنون به لاس زدن با دولت مشغول بودند در نتیجه وخامت اوضاع اقتصادی و تشدید فقر و بیکاری و فشار بر کارگران در این کشور، مجبور به فراخوان این تظاهرات شدند. در ادامه این اعتراضات، روز ۲۷ سپتامبر نیز کارکنان حمل و نقل شهری آمستردام دست به یک اعتصاب یک روزه زدند و همچنین قرار است روز ۲ اکتبر یک تظاهرات وسیع در اعتراض به سیاست های اقتصادی دولت هلند در شهر آمستردام برگزار گردد.



سال تحصیلی جدید و تشدید مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی

شرایط دشوار و طاقت فرسایی که معلمان در آن به سر می‌برند، سند زنده‌ای بر محکومیت نظام حاکم بر ایران است. اکثریت بسیار عظیم معلمان ایران در زیر خط فقر قرار دارند و با گذشت هر سال شرایط مادی و معیشتی آنها وخیم‌تر شده است. چندین سال است که معلمان، مبارزه‌ای را برای بهبود وضع خویش و تحقق حداقل مطالبات خود آغاز کرده‌اند، اما رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران که پاسدار منافع سرمایه‌داران، ثروتمندان و تمام انگل‌های اجتماعی ست، از تحقق این حداقل مطالبات نیز سر باز زده است. اعتراضات معلمان را با وحشی‌گری و سرکوب پاسخ داده است و فعالین آنها را دستگیر و روانه زندان کرده است.

دشواری شرایط مادی و معیشتی معلمان، تنها یک جنبه از فشارها و معضلاتی ست که این قشر زحمتکش با آن روبروست. تبعیضات آشکار در نظام آموزشی ارتجاعی- بوروکراتیک موجود، اختناق پلیسی حاکم بر این نظام، محرومیت معلمان از آزادی‌های سیاسی و حقوق صنفی و محرومیت کامل آنها از هر گونه دخالت در برنامه‌ها و سیاست‌های آموزش و پرورش کشور، جوانب دیگری از فشارهایی ست که معلمان ایران با آن روبرو هستند.

سیستم ارتجاعی آموزشی موجود که نتیجه ناگزیر نظام اقتصادی- اجتماعی و سیاسی سرمایه‌داری حاکم بر ایران است، معضلات بی‌شماری برای دانش‌آموزان و آینده آنها ایجاد نموده است.

سال تحصیلی جدید آغاز شده، اما فقر گسترده و نابرابری‌های عمیق اجتماعی در ایران باعث شده است که میلیون‌ها تن از مردم زحمتکش نتوانند فرزندان خود را به مدرسه بفرستند. مسئول این محرومیت نظام ستمگرانه حاکم بر ایران است. همه ساله گروه‌های کثیری از دانش‌آموزان، در نتیجه فقر خانواده‌های زحمتکش، ادامه تحصیل را کنار می‌گذارند، تا شاید بدین طریق بتوانند کمکی به خانواده فقیر خود بکنند.

موانع و محدودیت‌هایی که دانش‌آموزان به ویژه در مدارس دولتی با آن روبرو هستند نیز کم نیست. آنها از حداقل امکانات آموزشی ضروری نیز برخوردار نیستند، ناچه رسد به امکانات پرورشی که برای رشد جسمانی و معنوی دانش‌آموزان ضروری ست. این فقدان امکانات باعث شده است که آنها نتوانند استعدادهای خود را شکوفا سازند. سرانجام این نظام آموزشی هم کنکور و بیکاری میلیون‌ها تن از جوانان کشور است. در این میان دختران دانش‌آموز، تحت حاکمیت حکومت اسلامی، با بیشترین فشار، تبعیض و محرومیت روبرو هستند. حتا هنگامی که با تمام فشارها و سرکوب‌های نظام موجود، تحصیلات خود را به پایان می‌رسانند، از کمترین امکان برای یافتن کار برخوردارند. بنابراین تعجب آور نیست که در ایران امروز، زنان تنها ۸ درصد جمعیت شاغل را تشکیل می‌دهند که رقمی پائین‌تر از بسیاری از کشورهای دیگر خاور میانه است، تا چه رسد به کشورهای دیگر جهان.

دانش‌آموزانی که امکان می‌یابند از سد کنکور عبور کنند و وارد دانشگاه شوند، در هر گام با سیستم پلیسی- بوروکراتیک رژیم حاکم بر ایران روبرو می‌شوند که حتا راه تحقیقات علمی را بر آنها سد می‌کند. اعتراض دانشجویان به رژیم اختناق و سرکوب، همواره در طول حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، با سرکوب، اخراج و زندان پاسخ داده شده است.

معلمان! دانشجویان! دانش‌آموزان!

برای پایان بخشیدن به تمام معضلات و مشکلاتی که شما با آن روبرو هستید و برای ایجاد یک نظام آموزشی نوین، راه دیگری جز تشدید مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی و برای سرنگونی آن وجود ندارد. مخالفت و اعتراض به نظم موجود، باید جزء زندگی روزمره ما باشد. به هر شکل ممکن، در مدارس، دانشگاه‌ها و محلات، این اعتراض خود را گسترده‌تر سازید. از نوشتن شعار علیه رژیم در مدارس، دانشگاه‌ها و محلات تا ایجاد هسته‌های مخفی، سازماندهی تظاهرات و اعتصابات، وظایفی ست که در سال تحصیلی جدید با گسترده‌تری باید دنبال شود.

سازمان فدائیان (اقلیت) که اساساً برای برانداختن نظام ستمگرانه سرمایه‌داری و برقراری یک جامعه سوسیالیستی مبارزه می‌کند، هدف فوری خود را سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت شورایی در ایران قرار داده است، تا توده‌های زحمتکش مردم بتوانند از طریق شوراها حکومت کنند و بر سرنوشت خویش حاکم گردند.

سازمان فدائیان (اقلیت) یکی از وظایف فوری حکومت شورایی را دگرگونی بنیادی و انقلابی نظام آموزشی کشور به شرح زیر می‌داند:

- هرگونه دخالت مذهب و روحانیت در برنامه و نهادهای آموزشی کشور باید به کلی ممنوع گردد.
- نظام آموزشی کشور، باید از بنیاد دگرگون شود. آموزش نظری و عملی تلفیق گردند و نزدیک‌ترین پیوند بین مدرسه و کار اجتماعی مولد برقرار شود. در چنین سیستم آموزشی، باید هرگونه مانعی از سر راه شکوفایی استعدادهای جوانان برچیده شود. دیگر نیازی به ایجاد موانع مصنوعی برای ادامه تحصیل نظیر کنکور دانشگاه‌ها نباشد و هرکس به حسب تمایل و استعداد خود قادر به ادامه تحصیلات رایگان باشد.
- باید آموزش رایگان و اجباری تا پایان دوره متوسطه معمول گردد و یک نهضت توده‌ای برای ریشه‌کن کردن بی‌سوادی ایجاد شود.
- حکومت شورایی موظف به اشتغال جوانانی ست که تحصیلات خود را به اتمام رسانده‌اند. مادام که مسئله اشتغال حل نشده است، جوانان بیکار باید از مزایای بیمه بیکاری برخوردار گردند.
- حکومت شورایی موظف است از طریق ایجاد و گسترش مراکز ورزشی و پرورشی و ایجاد کلوب‌های متعدد هنری، فرهنگی و دیگر مؤسسات تفریحات سالم برای شکوفایی، رشد و اعتلای جسمانی، معنوی و فرهنگی جوانان و نوجوانان تلاش کند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی

سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۳۸۳/۶/۳۱

کار - نان - آزادی - حکومت شورایی

مبارزه طبقاتی و

اخباری از ایران

گرفتن تمام این واقعیات، ما طبقه کارگر روسیه و دمکرات ها را فراموش خوانیم که با شعار "مرگ بر جنگ" راه مبارزه انقلابی علیه نظام سلطنتی تزاری و طبقات حاکمه را در پیش گیرند. (ا. شلینکوف- در آستانه ۱۹۱۷- لندن ۱۹۸۲- صفحات ۲۰۸-۲۰۶).

ELFS همچنین برای بهبود شرایط کار در بسیاری از کارگاهها در منطقه "ایست لندن" تلاش کرد که چندان موفق نبود. ELFS در اعتصابات که علیه افزایش اجاره خانه ها به راه افتاده بود، فعالانه شرکت داشت و با موفقیت توانست مانع از اخراج اجاره نشین ها و افزایش اجاره ها گردد. این طرح پس گرفته شد.

در سال های ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶، سیلوپا پانکهورست خود شخصا در فعالیت های معدن چیان جنوب ولز درگیر شد و مجله "رزمناو زنان" به ژورنال خبری توده ای آن منطقه تبدیل شد. معهدا در جریان اعتلای جنبش های توده ای شفیلد، منچستر، بلفاست و باروین فورلینس انعکاس ناچیزی داشت. سیلوپا به تقلید از ایده جیمز کونولی که ایده تشکیل "ارتش شهروندان را عملی نموده بود، "ارتش مردم" را در اوت ۱۹۱۳ تشکیل داد. این ارتش در واقع سازمانی بود که زنان و مردانی که تمایل به مبارزه برای آزادی داشتند، می توانستند به عضویت آن درآیند. با این رهنمود که آنها با وحشی گری مستخدمین دولتی مبارزه کنند. (پانکهورست- جنبش حق رای- ص ۵۰۵) "ارتش" هر چهارشنبه شب بعد از جلسات فدراسیون در BOW گرد هم می آمد و صدها زن و مرد به عنوان تماشاچی در این جلسات شرکت می کردند. آنها معمولا در دسته های ۸۰ تا ۱۰۰ نفره به صف رژه می رفتند و باتوم حمل می کردند. تخمین زده می شود که ۷۰۰ زن در این جلسات شرکت می کردند. (ویلی هرال- ۲۹ اکتبر ۱۹۱۳).

سیلوپا چون تنها حول یک موضوع و آن هم حق رای فعالیت می کرد، حقی که به زعم وی، فی نفسه یک هدف بود، قادر به تدوین یک استراتژی موثر نبود. آن چه را که لنین و لوکزامبورگ به روشنی دریافته بودند، و بر این عقیده بودند که مبارزه برای رفم های خاصی نظیر حق رای، ارزش در خود نیستند، بلکه وسیله ای هستند برای ارتقاء سطح آگاهی و اعتماد به نفس کارگران، او درک نکرد. بنابراین، سیلوپا درک نکرد که سایر مبارزات و درراس آنها جنبش کمیته های کارخانه، در کارخانه های ماشین سازی برای پیروزی هرگونه مبارزه علیه جنگ، اساسی بودند.

به رغم این که او به کلی با جنگ مخالف بود، فاقد درک لنینی بود که می گفت این جنگ رقابتی است بین قدرت های بزرگ سرمایه داری برای سلطه بر ملل ضعیف. هر صلح در سیستم فعلی قابل تحقق خواهد بود و تنها استثمار و ستم بر

بخش خصوصی که قبلا زیر پوشش وزارت نیرو قرار داشت، ۳۹۰ کارگر این شرکت در معرض اخراج دائمی قرار گرفتند. صاحبان جدید شرکت که در تدارک اخراج تمام کارگرانشان، با اخراج ۱۲۰ کارگر قراردادی، این پروسه را آغاز کرده اند. این در حالیست که به جای کارگران قدیمی، کارگران جدیدی به کار گرفته می شوند.

- کارخانه چینی "همگام" در آستانه ورشکستگی و تعطیلی قرار گرفته و خطر بیکاری ۴۰۰ کارگر این کارخانه را تهدید می کند.

- طی یک ماه گذشته تنها از سه کارخانه "نساجی کردستان"، "صنایع مفتولی" و "شرکت نیک الیاف"، حدود ۲۳۰ کارگر اخراج شده اند. (ایلنا)

- شرکت "تورینه قم" تعطیل و ۳۵ کارگر آن با ۲۰ سال سابقه کار بیکار شدند.

- مدیریت کارخانه "شوفاز البرز" علی رغم مخالفت کارگران، حکم انتقال این کارخانه را دریافت کرده بود و قول داده بود پس از فروش دستگاهها، محل کارخانه را از شهر صنعتی الوند قزوین، به شهر صنعتی لیا انتقال دهد و تولید در محل جدید ادامه داشته باشد، اما پس از آن که چندین ماه کارگران را در بلاتکلیفی و سرگردانی نگاه داشت، سرانجام این واحد را منحل کرد و بر اساس پرداخت سالی یک ماه سنوات، کارگران را اخراج کرد.

- به دنبال تعطیل شدن شرکت "طرح توسعه شبکه های مخابراتی"، ۳۵۰ کارگر آن بلاتکلیف و بیکار شدند.

- شرکت فراورده های غذایی "شیفته" در مشهد، تولید کننده رب گوجه فرنگی و کمپوت تعطیل شد و ۲۷۰ کارگر آن بیکار شدند.

- مدیریت شرکت تولیدی "اسپید" با اعلام این که کارخانه توانایی تولید ندارد، آن را به معرض فروش گذاشت و به دنبال آن، برخی از کارگران را با پرداخت صدور سه ماه سنوات باز خرید کرد. هم اکنون ۹۰ کارگر این کارخانه که بیش از ۲۰ سال سابقه کار دارند، در حال سرگردانی و بلاتکلیفی به سر می برند.

- ایلنا، از قول دبیر اجرایی خانه کارگر قزوین نوشت، با اجرای "قانون باز سازی و ونوسازی صنایع" بیش از ۵ هزار نفر کارگر در استان

قزوین بیکار می شوند. در عین حال ۴۰ هزار نفر از اعضا خانواده های کارگران نیز از حداقل های معیشتی محروم می شوند. بیش از ۱۰۰ واحد صنعتی در این استان، تقاضای "بازسازی" و تغییر ساختار نموده اند.

- بخشی از شرکت مرغ داری ایران و آلمان با ۱۰۰ کارگر که هنوز فعال بود، در معرض تعطیلی قرار گرفت. هیئت مدیره در حالی تصمیم به انحلال شرکت گرفته است که نزدیک به ۴ ماه، حقوق کارگران پرداخت نشده است.

چند خبر کوتاه

- شرکت "دنیای بذر" واقع در بنرعباس، دستمزد کارگران را نمی پردازد. کارگران این شرکت که به صورت پیمانکاری در بخش خدمات و نظیف مشغول به کارند، سه ماه حقوق خود را طلب کارند.

- شرکت ربسندگی و بافندگی فومنتات، حقوق کارگران را نمی پردازد. این شرکت، پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی با ۱۲۰۰ کارگر به سازمان صنایع ملی و بانک صنعت و معدن واگذار گردید و بعد از خصوصی سازی ها و واگذاری آن به بخش خصوصی، شمار کارگران به ۵۰۰ نفر کاهش یافت. هم اکنون بیش از هفت ماه است حقوق کارگران این شرکت پرداخت نشده است.

- شرکت "چینی رویال سمنان"، بیش از ۴ ماه است حقوق کارگران را نپرداخته است. به گفته دبیر اجرایی خانه کارگر سمنان، تمام کارگران این کارخانه با قراردادموقت کار می کنند و به دلیل احساس نا امنی شغلی، از اعتراض نسبت به عدم دریافت حقوق شان خودداری کرده اند.

- به بهانه کمبود نقدینگی، بیش از ۴ ماه است حقوق ۱۲ هزار کارگر پیمانی پتروشیمی بندر امام و ماه شهر پرداخت نشده است.

- از ابتدای سال جاری، نزدیک به ۳۰ واحد تولیدی و خدماتی در مناطق جم، کنگان، برازجان و دشتستان استان بوشهر به صورت تعطیل یا نیمه تعطیل در آمده و دستمزد کارگران را یا نپرداخته اند یا به طور ناقص پرداخته اند. حداقل ۱۳ هزار کارگر بوشهر بیش از دو ماه است که دستمزدهای خود را دریافت نکرده اند.

عدالتی ها را داشت، غریب نبود. در نتیجه او برخلاف لنین، قادر به دیدن فرصت بزرگی که جنگ جهانی برای سرنوشتی کلیت سیستم و رسیدن به صلح از طریق انقلاب کارگری در خود داشت، نبود. بنابراین غیر منتظره نیست که سوسیالیست بودن سیلوپا پانکهورست کوتاه مدت و با گنج سری همراه باشد.

* در شماره بعد، تاثیر انقلاب اکتبر بر جنبش زنان انگلستان مورد بررسی قرار می گیرد.

کارگران سر اسر جهان را تقویت می کند. لنین استدلال می کرد که کارگران هیچ منافعی در جنگ برای دفاع از کشورشان ندارند، اما منافع آنها در مبارزه به خاطر طبقه شان قرار دارد. لنین برای پایان دادن به جنگ امپریالیستی، کارگران را به جنگ داخلی علیه حکومت هایشان فراخواند.

یک چنین موضعی برای سیلوپا پانکهورست که مبارزه طبقاتی را در نهایت یک امر اخلاقی می دانست و آرزوی تسکین آلام وی

زنده باد سوسیالیسم

پاسخ به سئوالات

حل مسائل دمکراتیک بر سوسیالیستی را در دستور کار قرار داده است، چنین نتیجه می گیرند که انقلاب ایران نمی تواند وظیفه ای فراتر از چارچوب های نظام سرمایه داری موجود داشته باشد. از این رو انقلابی بورژوا-دمکراتیک است و وظائف آن صرفا اصلاح روبنای سیاسی موجود، استقرار یک سیستم پارلمانی بورژوائی و تحقق مطالبات آزادیخواهانه و دمکراتیک مردم خواهد بود. با انجام این وظایف، راه بر رشد اقتصادی و توسعه نیروهای مولد همواره می گردد. طبقه کارگر نیز با استفاده از شرایط دمکراتیک، خود را متشکل و آگاه خواهد ساخت و تازه پس از طی این مراحل است که طبقه کارگر می تواند انقلاب سوسیالیستی را در دستور کار قرار دهد. البته گرایشات مختلفی در درون این طیف وجود دارند. برخی، صریحا انجام این وظایف را برعهده بورژوازی ایران قرار می دهند. از نظر آنها، این وظیفه را، هم می تواند جناحی از هیئت حاکمه کنونی ایران برعهده داشته باشد و در عمل دیدیم که چگونه آنها از خاتمی و جناح موسوم به اصلاح طلبان حکومتی با همین استدلال دفاع کردند نظیر راه کارگر و هم این که جریانات بورژوائی اپوزیسیون می توانند این وظیفه را برعهده گیرند. برخی دیگر، پوشیده، همین نظر را ابراز می دارند. آنها می گویند که ما از هم اکنون برای استقرار سوسیالیسم و انقلاب سوسیالیستی در ایران مبارزه می کنیم، منتها، وقتی که پلاتفرم خود را به عنوان وظایف فوری مطرح می کنند، چیزی به جز چند مطالبه آزادیخواهانه و دمکراتیک نیست، نظیر حزب کمونیست کارگری. اینان استدلال می کنند که به نسبت این که چنین مطالباتی تحقق یافت، می توان برای انقلاب سوسیالیستی تلاش نمود. حرف های آنها با گروه نخست تفاوت چندانی ندارد. یکی صریح و آشکارا حرفش را می زند دیگری پوشیده و با ژست های رادیکال دروغین در مورد انقلاب سوسیالیستی. خواست این هردو گروه، چیزی جز تحولات صرفا بورژوا-دمکراتیک نیست. برای نشان دادن این واقعیت که حتی اگر وظایف انقلاب ایران به تحقق یک رشته مطالبات بورژوا-دمکراتیک خلاصه شود، طبقه سرمایه دار حاکم بر ایران چنین وظیفه ای را بر عهده ندارد، کافی است که اشاره کنیم، در طول یک قرن گذشته، بورژوازی ایران یا به تنهایی یا در اوائل قرن گذشته در اتحاد با فئودال ها قدرت را در دست داشته است و در عمل نشان داده است که ارتجاعی تر و ناتوان تر از آن است که بتواند حتی تحولات بورژوا-دمکراتیک را به نحوی انجام دهد که خواست های آزادیخواهانه و دمکراتیک مردم تحقق یابند. از این گذشته، در طول تمام این سال ها نشان داده است که بورژوازی ایران، به عنوان یک طبقه ضد انقلابی، در برابر تمام تلاش های رادیکال توده های زحمتکش مردم ایستاده است. سرانجام این که انقلاب گذشته ایران هرچند که با شکست روبرو شد، اما از همان آغاز نشان داد که این انقلاب از محدوده های نظم موجود فراتر می رود. در برابر این گرایش

بورژوا-دمکراتیک، گرایش دیگری وجود دارد که هر چند گرایشی ضعیف در جنبش کمونیستی ایران است، اما به هر حال گرایشی است که بر این باور است، از هم اکنون همه چیز در ایران، برای برپائی فوری انقلاب سوسیالیستی و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا فراهم است. وظیفه فوری طبقه کارگر ایران، دگرگونی سوسیالیستی جامعه است و وظایف معوقه دمکراتیک رابه عنوان وظیفه ای فرعی درجریان تحولات سوسیالیستی به انجام خواهد رساند. این گرایش که اراده خود را به جای واقعیت ها قرار می دهد، درک و شناختی از تضادهای جامعه ایران ندارد. نمی داند که تضاد بنیادی و اساسی جامعه سرمایه داری، همواره تضاد عمده ای که حلش بر تمام تضادها تقدم دارد، نیست. بلکه گاه تضادهای دیگری عمده می شوند که اگر لاینحل بمانند، اجازه نمی دهند، تضاد اساسی حل گردد. این گرایش، درک درستی از صف بندی های طبقاتی، توازن قوا و غیره ندارد. نمی داند که وقتی در کنار طبقه کارگر اقلیت غیر پرولتر برای تحقق برخی مطالبات مبارزه می کنند، از نظر سیاسی و طبقاتی چه معنایی دارد. نمی تواند درک کند که معنای این همه جنبش های دمکراتیک که در ایران شکل گرفته اند چیست و چگونه بر وظایف انقلاب و وظیفه پرولتاریا در انقلاب تاثیر می گذارند. این گرایش همچنین درک درستی از سوسیالیسم و دگرگونی سوسیالیستی ندارد و نمی داند که سوسیالیسم، دولتی کردن وسائل تولید و خلع ید حقوقی از سرمایه داران نیست، بلکه الغاء مناسبات تولید سرمایه داری یعنی الغاء مناسبات کالائی-پولی است. در برابر این دو گرایش، که یکی وظائف انقلاب ایران را صرفا بورژوا-دمکراتیک می داند و دیگری وظیفه فوری انقلاب ایران را تحولات سوسیالیستی، دیدگاه دیگری وجود دارد که سازمان ما از آن دفاع می کند و این دیدگاه برخاسته از واقعیت های جامعه ایران و جمع بندی تجارب انقلاب گذشته ایران است. برطبق این دیدگاه، همان گونه که تجربه انقلاب گذشته ایران نشان داد، انقلاب آتی ایران، از همان آغاز، از محدوده های جامعه بورژوائی موجود فراتر می رود، بنابراین وظائف آن به تحقق مطالبات بورژوا-دمکراتیک محدود نمی شود و از سوی دیگر هرچند وظائف و اقداماتی را در دستور کار قرار دهد که فراتر از نظم موجودند اما هنوز اقدامات سوسیالیستی نیستند، بلکه اقداماتی هستند که به مستقیم ترین و بی درد سرترین شکل ممکن گذار جامعه به سوسیالیسم و دگرگونی های سوسیالیستی را امکان پذیر می سازند. دو نمونه از اقدامات برجسته ای که نشانه فراتر رفتن انقلاب از محدوده نظم موجودند، شوراها و کنترل کارگری بر تولید و توزیع است که در انقلاب پیشین ایران، ولو در شکل نطفه ای، ما شاهد پیدایش آنها بودیم. نه شورهایی که با هدف اعمال حاکمیت شکل می گیرند و نه کنترل کارگری بر تولید و توزیع، هیچیک در محدوده های جامعه بورژوائی نمی گنجند، اما هیچیک از این دونیز به معنای سوسیالیسم و دگرگونی سوسیالیستی نیست. معهذا استقرار شوراها که پدیده ای مختص اعمال حاکمیت طبقه کارگر است، تمام آن چیزی است که برای برقراری

سلطه سیاسی یکپارچه طبقه کارگر ضروریست. کنترل کارگری نیز آن گام ضروری و مقدماتی برای برقراری مدیریت کارگری است. بنابراین، اگر با توجه به واقعیت های عینی جامعه ایران، وظیفه فوری و بدون درنگ انقلاب ایران، نمی تواند دگرگونی سوسیالیستی جامعه باشد، اما استقرار حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان، به این معناست که طبقه کارگر آن حلقه اساسی را برای گذار به سوسیالیسم در دست گفته است.

وظیفه فوری حکومت کارگری که بدین طریق بر بنیاد یک دولت شورائی شکل می گیرد، تنها در تحقق فوری مطالبات آزادیخواهانه و دمکراتیک توده های مردم، برقراری آزادی های سیاسی در وسیع ترین و گسترده ترین شکل آن، برابری حقوق زن و مرد و پایان بخشیدن به تبعیض جنسی، برابری حقوق ملیت های ساکن ایران و پایان بخشیدن به ستمگری ملی، برانداختن هرگونه مداخله روحانیت و مذهب در دستگاه دولتی، تحقق تمام حقوق فردی، مدنی و دمکراتیک توده مردم، انجام اقدامات فوری رفاهی به نفع کارگران و دهقانان زحمتکش، خلاصه نمی شود، بلکه ملی کردن تمام سرمایه ها و مؤسسات صنعتی، مالی و بانکی، تجاری و کشاورزی متعلق به سرمایه داران بزرگ و دستگاه روحانیت، ملی کردن زمین، متداول ساختن کنترل کارگری در تمام مؤسسات دولتی و خصوصی نیز در زمره فوری ترین وظائف حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان خواهد بود.

اجرای این اقدامات که همراه با حل برخی تضادها و تشدید برخی تضادهای دیگر و در محور آن تضاد کار و سرمایه خواهد بود، صف بندی های طبقاتی را دگرگون می سازد و توازن قوا را به نفع طبقه کارگر برهم خواهد زد. در این نقطه است که دگرگونی سوسیالیستی جامعه، به وظیفه ای فوری تبدیل می گردد. برنامه عمل سازمان ما، بیان مشخصی است از هدف فوری انقلاب ایران، یعنی استقرار حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان و وظائف طبقه کارگر در این مرحله از انقلاب ایران برای گذار به سوسیالیسم.

کمک مالی

هامبورگ

مازیار ۶۰ یورو

کانادا

ستاره ۲۰ دلار

به یاد کارگران و

صیادان زحمتکش انزلی ۱۰۰ دلار

پاسخ به سئوالات

س- سازمان فدائیان (اقلیت) همان گونه که در برنامه خود اعلام کرده است، برای استقرار یک جامعه کمونیستی مبارزه می کند. در عین حال بر طبق مواضع سازمان که حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان را هدف فوری انقلاب ایران می داند، برقراری حکومت شورایی به معنای برقراری فوری سوسیالیسم در ایران نیست. سؤال این است که حکومت شورایی چه وظایف فوری در بر ابر خود دارد و رابطه انجام این وظایف با گذار به سوسیالیسم و دگرگونی های سوسیالیستی چیست؟

ج- سازمان ما، به عنوان یک سازمان کمونیست ، برای همان هدفی مبارزه می کند که کمونیست های سراسر جهان. یعنی انقلاب سوسیالیستی برای برپائی یک جامعه کمونیستی.

اما این هدف نهائی مشترک تمام کمونیست ها که از غلبه شیوه تولید سرمایه داری در سراسر جهان برمی خیزد، به این معنا نیست که وسائل، شیوه ها ، راههای رسیدن به این هدف و نیز وظایف فوری که کمونیست های کشورهای مختلف جهان با آن روبرو هستند، یکسان است و هیچ تفاوتی در این زمینه وجود ندارد. بالعکس از آنجایی که سرمایه داری کشورهای مختلف، به یک درجه توسعه نیافته و در محیط های سیاسی و اجتماعی گوناگون توسعه یافته است، لذا با وظایف فوری غیر متشابه روبرو هستند و از طرق مختلف برای رسیدن به این هدف تلاش می کنند.

آن کمونیستی که نتواند تفاوت توسعه سرمایه داری آمریکا و کشورهای اروپائی با سرمایه داری ایران و یا توسعه سرمایه داری در ایران با کشورهای نظیر افغانستان، عربستان، امارات متحده، اردن و غیره را ببیند و از آن نتیجه گیری سیاسی و عملی برای پیشبرد مبارزه به منظور رسیدن به هدف نهائی خود بنماید، نشان می دهد که نه فقط از مارکسیسم و سوسیالیسم بلکه از سیاست به طور کلی بی اطلاع است.

ایران کشوری است که در آن شیوه تولید سرمایه داری، همچون تمام کشورهای جهان، شیوه تولید مسلط است. با این وجود، از آنجایی که این شیوه تولید، در یک روند تدریجی و طولانی، منطبق با نیازهای سرمایه جهانی در عصر امپریالیسم، از بالا و با اقدامات بوروکراتیک طبقه حاکم، مسلط شد و در محیط اجتماعی و سیاسی مختص خود توسعه یافت، نتوانست به شیوه های رادیکال و انقلابی تمام مناسبات و رسوبات جامعه کهنه را جاروب کند. نفع طبقه حاکم، در دوره ای که سرمایه داری از نظر تاریخی به پدیده ای ارتجاعی تبدیل شده بود، حفظ پاره ای از مؤسسات و نهادهای ماقبل سرمایه داری بود. لذا هنوز بقایای متعدد مناسبات ماقبل سرمایه داری به ویژه در روبنای سیاسی به حیات خود ادامه می دهند. هنوز تعدادی از مطالبات بورژوا-

دمکراتیک مردم تحقق نیافته است. توده های مردم از آزادی های سیاسی محروم اند. آزادی عقیده و بیان، آزادی مطبوعات، تجمع، تظاهرات و اعتصاب، آزادی ایجاد و فعالیت تشکل های سیاسی، صنفی و دمکراتیک وجود ندارد.

چیزی به نام برابری حقوقی مردم در ایران موجود نیست. زنان که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند، نه فقط از برابری حقوقی با مردان محروم اند بلکه با بیرحمانه ترین تبعیض روبرو هستند. ستمگری ملی، همچنان ادامه دارد و ملیت های ساکن ایران، از نابرابری رنج می برند. این نابرابری حتا میان معتقدین به باورهای مذهبی مختلف وجود دارد. کسی که دین و مذهبی سوای اسلام و شعبه شیعی آن داشته باشد، از برخی حقوق اجتماعی و سیاسی محروم است. پیروان برخی از باورهای مذهبی حتا با سرکوب های وحشیانه ای روبرو هستند. کسی که باور دینی ندارد نه فقط از هرگونه حق و حقوق اجتماعی و سیاسی محروم است بلکه ملحد و کافری ست که قتلش وظیفه شرعی حکومت است.

در ایران امروز، همانند دوران قرون وسطا، حکومتی مذهبی برقرار است که دین و دولت را آشکارا تلفیق کرده است و با برقراری خشن ترین اختناق و سرکوب بر مردم حکومت می کند.

این برجای ماندن بقایای مؤسسات و نهادهای ماقبل سرمایه داری و عدم تحقق مطالبات آزادیخواهانه و دمکراتیک توده مردم، سبب شده است که در نظام سرمایه داری حاکم بر ایران، علاوه بر مبارزه طبقه کارگر برای برانداختن نظام سرمایه داری که مبارزه ای ست سوسیالیستی و مختص طبقه کارگر، هم زمان با آن، مبارزه دیگری نیز در جریان باشد که علاوه بر طبقه کارگر، اقشار وسیعی از خرده بورژوازی در آن حضور دارند و مشترکا برای تحقق مطالبات آزادیخواهانه و دمکراتیک تلاش می کنند. این مبارزه که در آن، سوای طبقه کارگر، اقشار غیر پرولتر نیز مشارکت دارند و جنبش های عمومی از ادیخواهانه مردم، جنبش عمومی زنان برای کسب حقوق برابر با مردان و جنبش های ملیت های تحت ستم ساکن ایران برای رفع ستمگری ملی، جلوه های آشکار آن هستند، مبارزه ای ست، دمکراتیک که هدف آن کسب آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم است.

خلاصه کلام این که در ایران، همزمان، دو مبارزه سوسیالیستی و دمکراتیک در جریان است که به لحاظ ترکیب طبقاتی و اهداف از یکدیگر کاملا متمایزند.

از این واقعیت عینا موجود که از شرایط ویژه نظام سرمایه داری حاکم بر ایران ناشی می گردد، چه نتایجی باید گرفت.

برخی سازمان های سیاسی که خود را چپ و سوسیالیست نیز می نامند، از این صف بندی و برجستگی و عمدهگی تضاد توده مردم با رژیم حاکم و روبنای سیاسی موجود برای کسب آزادیهای و حقوق دمکراتیک که به ناگزیر تقدم



برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

آلمان
K. A. R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

دانمارک
I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M. A. M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A. A. A
MBE 265
23, Rue Lecourbe
75015 Paris France

کانادا
K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7 Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.

I. W. A
6932641 Postbank
HOLLAND

شماره های فکس ۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹
سازمان فدائیان ۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲
۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱ (اقلیت)

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>

پست الکترونیکی E-Mail:

info@fedaian-minority.org

تلفن روابط عمومی سازمان فدائیان (اقلیت):
۰۰۴۹-۱۷۶-۲۸۰۲۰۸۹۷

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)
No. 438 september 2004

در صفحه ۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی